اَلتَّمرينُ الْخامِسُ: لِلتَّرْجَمَةِ.

١ـ جَلَسَ: نشست	جَلَسْنا: نشستیم	لا تَجْلِسوا: ننشینید نهی
	اَلْجالِس: نشسته اسم فاعل	اِجْلِسْنَ: بنشینید امر حاضر
٢ـ أَجْلَسَ: نشانید	أَجْلِسْ: بنشان امر حاضر	لا تُجْلِسي: ننشان نهی
	لَمْ يُجْلِسوا: ننشاندند ـ ننشانده اند	سَيُجْلِسُ: خواهد نشاند مستقبل
٣ـ عَلِمَ: دانست	قَدْ عَلِمْتَ: دانسته ای ماضی نقلی	لَمْ أَعْلَمْ: ندانستم ـ ندانسته ام
	اِعْلَمْ: بدان امر	لا يَعْلَمُ: نمی داند مضارع منفی
٤ـ عَلَّمَ: یاد داد	قَدْ يُعَلِّمُ: گاهی یاد می دهد	لَنْ يُعَلِّمَ: یاد نخواهد داد مستقبل منفی
	أُعَلِّمُ: یاد می دهم	لِيُعَلِّمْ: باید یاد بدهد امر با لام
٥ـ قَطَعَ: بُرید	قُطِعَ: بریده شد ماضی مجهول	كانا يَقْطَعانِ: می بریدند ماضی استمراری
	اَلْمَقْطوع: بریده شده اسم مفعول	لا تَقْطَعْ: نبُر فعل نهی
٦ـ اِنْقَطَعَ: بُریده شد	ما انْقَطَعَ: بریده نشد ماضی منفی	سَيَنْقَطِعُ: بریده خواهد شد مستقبل
	اَلِانْقِطاع: بریده شدن مصدر	لَنْ يَنْقَطِعَ: بریده نخواهد شد مستقبل منفی
٧ـ غَفَرَ: آمرزید	قَدْ غَفَرَ: آمرزیده است ماضی نقلی	لا يُغْفَرُ: آمرزیده نمی شود مجهول منفی
	اَلْمَغْفور: آمرزیده شده اسم مفعول	اَلْغَفّار: بسیار آمرزنده اسم مبالغه
٨ـ اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	قَدِ اسْتَغْفَرْتُم: آمرزش خواسته اید ماضی نقلی	اَلِاسْتِغْفار: آمرزش خواستن مصدر
	لا يَسْتَغْفِرونَ: آمرزش نمی خواهند مضارع منفی	أَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهم مضارع متکلم وحده